

## نگاهی به رویدادها

# بزرگترین افشاگری ها در ایران جریان دارد!

در ماه های پس از انتخابات ریاست جمهوری، بویژه در هفته های اخیر چنان افشاگری درباره مسائل پشت پرده حکومتی، در داخل کشور انجام شده است، که زودن آن از ذهن جامعه، نه تنها دشوار، بلکه ناممکن بنظر می رسد. تبدیل دستگاه قضائی کشور به کانونی برای توطئه علیه مردم، که با دستگیری شهردار تهران به اوج خود رسید و اصولاً یورش به شهرداران تهران، درهای زندان های جمهوری اسلامی را در ذهن توده مردم ایران گشود. توده مردم با شکنجه و کشتار در این زندان ها بصورتی توده ای آشنا شدند. نام بزرگترین جنایتکاران و عاملین اجرای قتل عام هزاران انقلابی ایران، بر سر زبانها جاری شد، نام و مشخصات فقهای توطئه گری، که پشت نگهبانی از قانون اساسی پنهان شده اند، برای توده مردم افشاء شد. عملکرد ۸ ساله رهبر جمهوری اسلامی، در برابر حافظه مردم قرار گرفت، ناپندگانی که با تقلب و فشار جناح ارتجاع بازار به مجلس راه یافته اند مشتشان برای مردم باز شد، "کیان روحانیت" که پیوسته و بعنوان یک "تقدس" ارتجاع و سرمایه داری بازاری پشت آن پنهان شده بودند، با سیلی خوردن یکی از روحانیون نماینده، در صحن مجلس شکسته شد، برای نخستین بار اخباری درباره "حجتیه" در جامعه انتشار یافت، که تاکنون پنهان نگاهداشته شده بود، درباره درگیری ها و توطئه های موفقه اسلامی و برخی از سران روحانیت مبارز و شورای نگهبان اطلاعاتی به جامعه راه یافت، که تاکنون راز مگوی جمهوری اسلامی بود. بحث جدائی مرجعیت از رهبریت برای نخستین بار به مطبوعات کشیده شد و از قول آیت الله خمینی این دو از هم جدا اعلام شد، همین افشاگری ها برای مردم روشن ساخت، که "حفاظت نیروهای انتظامی" (که همان ضد اطلاعات شهربانی در زمان شاه است)، نه تنها در زندان کمیته مشترک، بلکه در بخشی از زندان اوین، شکنجه گاه های اختصاصی برپا داشته و نه تنها جنایتکارانه ترین شکنجه ها را علیه دگراندیشان غیر مذهبی، بلکه شرم آورترین آنها را در مورد برخی از مذهبیون و حتی شهرداران اعمال کرده است. و سرانجام برای نخستین بار، در مطبوعات ایران، عنوان شد، که منفجرکننده مرکز "حزب جمهوری اسلامی" از نظر آیت الله خمینی، نه مجاهدین خلق، بلکه "حجتیه" بوده است. بدین ترتیب بسیاری از صحنه سازی ها، دروغ بافی ها و تبلیغات گمراه کننده، که عاملین مستقیم ده ها و صدها جنایت و خیانت و توطئه، در طول ۲۰ سال گذشته خود را پشت آنها پنهان ساخته بودند، بار دیگر به حافظه جامعه بازگشته و در صفحات نشریات داخل کشور بازتاب یافته است.

می توان مدعی شد، که تا این لحظه، وسعت افشاگری در مطبوعات داخل کشور، در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه است. ما در زیر و از میان مطالب مطبوعات داخل کشور، مهمترین و تاریخی ترین این افشاگری ها را برگزیده ایم و منتشر می کنیم. اما پیش از آن باید توجه به گستردگی حوزه اطلاع عمومی مردم از این اطلاعات داشت.

روزنامه جامعه مطابق آخرین اطلاعاتی که در دست است، در شهر تهران حدود ۲۵۰ هزار به فروش می رسد. این روزنامه در دو نوبت صبح وعصر چاپ می شود و هنوز شبکه توزیع آن از تهران خارج نشده است. روزنامه همیشگی به گفته وزیر ارشاد اسلامی، در مصاحبه ای که در همین شماره راه توده می خوانید، تیراژ ۴۰۰ هزار شماره ای در روز دارد. روزنامه سلام بیش از ۲۰۰ هزار نسخه در روز منتشر می شود. تیراژ روزنامه "کارواگر" بالای ۱۵۰ هزار نسخه در روز است. روزنامه اطلاعات همچنان بین ۲۲۰ تا ۲۵۰ نسخه تیراژ روزانه دارد.

اگر تیراژ روزانه، روزنامه های "قردا"، "ایران"، "اخبار"، "آبرار" و "جمهوری اسلامی" را، روی هم ۵۰۰ هزار نسخه فرض کنیم، حتی همین تعداد روزنامه، بیش از یک میلیون و نیم خواننده مستقیم را زیر پوشش خود دارند. در حالیکه هر یک از شماره های فروش رفته این نشریات به داخل خانواده ها می رود و سپس اخبار آنها بصورت شفاهی نیز بین مردم رد و بدل می شوند. و این در حالی است که دهها هفته نامه و ماهنامه نیز، مانند "زبان"، "عصرما"، "مبین"، "میهن" و نشریات محلی مانند "ندای اصفهان" و... نیز در این افشاگری سهم دارند، و روزنامه های وابسته مستقیم به جناح ارتجاع بازار، یعنی "کیهان"، "رسالت"، "شما" و حتی "آرزو" ها، نیز با مطالب دفاعی و یا تهاجمی خود، عملاً به هر چه سیاسی تر شدن جامعه و شناخت بیشتر توطئه کنندگان و مخالفان رای و نظر مردم کمک می کنند اعظمت افشاگری ها و افزایش دم افزون آنها و تعمیق جنبش کنونی مردم ایران، بدینگونه است که بیشتر درک می شود.

از نظر ما تمام نیروها و سازمانهای سیاسی تحول طلب، ملی، چپ و حتی مذهبی که در مهاجرت فعال هستند، وظیفه ای تاریخی برای تحلیل دقیق این افشاگری ها، بسیج مهاجرت در حمایت از جنبش داخل کشور و حتی پذیرش سهم خود در این افشاگری ها را دارند. سرعت تحولات، تاخیر در این عرصه را بر هیچ کس و هیچ سازمانی نخواهد بخشید! این گذشت را "جنبش" نخواهد کرد! با هم برخی افشاگری های مهم را، که پس از دستگیری شهردار تهران، در مطبوعات داخل کشور، بشکلی بی سابقه تشدید شد، بخوانیم.

## انفجار حزب جمهوری اسلامی و اعلام انحلال "حجتیه"!

بدنبال درگذشت "شیخ محمود حلی"، رهبر و بنیانگذار انجمن "حجتیه" دو روزنامه و مجله "جامعه" و "کیان"، پیش از دیگر مطبوعات داخل کشور مطالبی درباره وی نوشتند. در این میان مجله "کیان" ضمن شرح حالی از شیخ محمود حلی، که آرزو به دو بخش از زندگی و شخصیت وی اختصاص داده بود، برای نخستین بار خبری را در جمهوری اسلامی فاش ساخت، که تاکنون بدینگونه افشاء نشده بود. مجله "کیان" نوشت که شیخ محمود حلی یک شخصیت مذهبی و روحانی داشت و شخصیت سیاسی و تشکیلاتی. این مجله با صراحت و برخلاف تمام آنچه که تاکنون در جمهوری اسلامی گفته و نوشته شده و بعنوان یک سند تاریخی به مردم ایران ارائه شده، نوشت، که آیت الله خمینی عقیده داشت "حزب جمهوری اسلامی را حجتیه منفجر کرد!" نفوذ گسترده حجتیه در تمام ارگان های نظامی، امنیتی، اداری جمهوری اسلامی و تسلطی که بتدریج و با از صحنه خارج شدن شناخته شده ترین و سابقه ترین روحانیون و مذهبیون زندان دیده زمان شاه، بدست آورد، به این افشاگری مجله "کیان" اعتبار جدیدی می بخشد. این همان نکته ایست که رهبری حزب توده ایران درباره تمام انفجارها، ترورها، مرگ های مشکوک در سالهای اولیه پیروزی انقلاب، بر آن تاکید کرد و در دوران اخیر نیز، برای شناخت ماهیت بسیاری از توطئه ها، "راه توده" پیوسته بر آن تاکید داشته است. این خبر مجله "کیان" را، بعنوان گوشه ای از افشاگری های تاریخی مطبوعات ایران، در زیر بخوانید:

(«شیخ محمود حلی در سال ۱۳۳۵ انجمنی را تشکیل داد که بعدها انجمن حجتیه مهلبه خوانده شد. بین نیروهای مذهبی، این تشکیلات پایدارترین تشکیلات در تاریخ ایران بود که ۴۰ سال عمر کرد و گسترده ترین تشکیلاتی بود که در اقصی نقاط کشور حتی در شهرهای کوچک مرزی نیز محافلی داشت... این انجمن به دلیل نقشی که در بی تفاوت ساختن نیروی جوان کشور نسبت به اوضاع سیاسی و خنثی سازی مخالفت با رژیم شاه داشت و مورد بهره برداری ساواک قرار می گرفت، مورد انتقاد نیروهای انقلابی بود. اما نمی توان انکار کرد که انجمن حجتیه در گسترش آگاهی های مذهبی در مقیاس وسیع بدر شرایطی که همه امکانات در انحصار رژیم شاه و ترویج الگوهای فرهنگی غرب بود- نقش بس مهم داشت. آنچه به مرحوم حلی مربوط می شود، اینست که تاسیس و اداره تشکیلاتی بدین وسعت، حاکی از توان تشکیلاتی و مدیریتی اوست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بخش وسیعی از نیروهای انجمن حجتیه که در خلال انقلاب به تدریج دچار پرسش نسبت به این تشکیلات شده بودند، از آن جدا شدند و به صف انقلاب پیوستند.

سرانجام در تیرماه ۱۳۶۲ امام خمینی به مناسبت شهادت ۷۲ تن از رجال و رهبران انقلاب در واقعه انفجار حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر، در حالی که همگان انتظار موضعگیری ایشان را علیه مجاهدین خلق و عوامل انفجار حزب داشتند، مبادرت به سخنرانی علیه جریان هائیت طلب کرد. در این سخنرانی علامت و شواهدی ذکر شد که متعاقب آن، انجمن حجتیه با صلور بیانیه ای اعلام کرد که بر اساس تحقیق از مجاری ممکنه دریافته است که مصداق سخنان امام خمینی این انجمن می باشد، لذا انجمن حجتیه از آن تاریخ کلیه فعالیت های خود را تعطیل اعلام کرد!»)

کیان درباره شیخ محمود حلی، همچنین می نویسد:  
"وی روز یکشنبه ۱۳ جمادی الاول ۱۳۶۸ برابر با ۱۷ شهریور ۱۳۷۸ در شهر مشهد متولد شد. شهرت حلی به خاطر حرفه حلی سازی پدر وی بود.»

## آیت الله خزعلی

درباره خاکسپاری جسد شیخ محمود حلی نیز مجله "ایران فردا" طی گزارشی نوشت، که علیرغم ممنوع بودن دفن اجساد در گورستان آبن بابویه تهران، جسد شیخ محمود حلی در این گورستان بخاک سپرده شد. همین نشریه اضافه می کند، که در جریان خاکسپاری شیخ محمود حلی حضور سه شخصیت مذهبی-سیاسی برجسته تر از دیگر حاضران بود. این سه شخصیت عبارت بودند از "عبدالکریم سروش"، "علی اکبر پزروش" و "آیت الله خزعلی". آیت الله خزعلی، عضو شورای نگهبان و یکی از شاخص ترین چهره های ارتجاع و مخالف نتایج انتخابات ریاست جمهوری، بر جسد شیخ محمود حلی نماز خوانده است!

خزعلی از شناخته شده ترین چهره های رهبری حجتیه است، که اغلب بدلیل موضع گیری ها و شناختی که از او وجود داشت، در زمان آیت الله خمینی

میدان برای عمل پیدا نمی کرد، اما پس از درگذشت وی، او یکی از کارگزاران اصلی صحنه سیاسی ایران شد، که در پشت پرده عمل می کند!

بنیال انتشار این مطالب در روزنامه ها و مجلات تهران، روزنامه سلام در پاسخ به خواننده ای که خواسته بود طبق نظر آیت الله خمینی مبنی بر ضرورت انحلال حجتیه، نباید درباره شیخ محمود حلبی مطالبی در مطبوعات نوشته شود، نوشت: «ما هم با نظر این خواننده درباره حجتیه و ضرورت پیگیری نظر امام موافقیم، اما فعلا باید بینیم افراد حجتیه در کجا قرار گرفته اند، مشاور و معاون کی هستند و...»

## سردمداران توطئه ها کیستند؟

روزنامه سلام درباره جناح راست و گروه های انصار حزب الله و نظائر آن، که بی وقته علیه جنبش آزادیخواهی و تحول طلبی کنونی در ایران توطئه می کنند در شماره ۱۵ فروردین، در سرمقاله صفحه دوم خود به افشاکاری صریحی دست زد. سلام ضمن تاکید بر ضرورت افشای توطئه کنندگان، تمامی مشخصات آیت الله خزعلی (همنشین همیشگی رهبری حجتیه)، آیت الله کئی (حامی بنی صدر در دوران تصدی وزارت کشور)، عسگرآلادی (طراح لغو جمهوریت و برقراری حکومتی شبیه طالبان در افغانستان و پادشاهی عربستان، با نام «حکومت عدل اسلامی»)، ناطق نوری (رئیس کنونی مجلس و کاندیدای شکست خورده انتخابات)، محمد جواد لاریجانی (مذاکره کننده با انگلستان برای جلب حمایت آن از ناطق نوری، که اکنون نیز مورد حمایت سردمداران روحانیت مبارز و مولفه اسلامی است)، آیت الله موحی کرمانی (نماینده رهبری در نیروهای مسلح که بسیج و سپاه را ملزم به حمایت از ناطق نوری در انتخابات کرده بود)، آیت الله موحی ساوجب (نماینده مجلس که در زمان آیت الله خمینی پوزه بند برای نمایندگان خواسته بود) و گروه ۹۹ نفره (فراکسیون) در مجلس سوم، که به فراکسیون «ارتجاع بازار-حجتیه شهرت دارد و برای مخالفت با نظرات آیت الله خمینی و قبضه حکومت بعد از مرگ او شکل گرفته بود، و دیگران را بعنوان سردمداران فشار به دولت خاتمی برشمرده و می نویسد:

«...گروه های بی منطقی که گاهی دست به چماق می برند و گاهی دست به اسلحه، در فضای ابهام آلود بوجود می آیند و رشد می کنند، اگر ماهیت افراد و گروه ها هر چه بیشتر افشا شود کم تر می توانند لاف بزنند و با ادعاهای دفاع از دین، دفاع از ولایت، دفاع از مقلسان و ارزش ها به جان مردم بیفتند. در این بیست سال هر چه انقلاب اسلامی آسیب دیده است از همین فضای ابهام آلود بوده است که افراد و گروه ها توطئه ها می کنند ماهیتشان افشا شود و در تاریکی نشسته اند و به روشنائی سنگ برآنی کرده اند.

آن کس که به اجتماعات حمله می کند و مردم بی دفاع را مورد ضرب و شتم قرار می دهد و هویت خود را اعلام نمی کند، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود، چرا که اگر افشا شود مردم دست رد به سینه او خواهند زد.

آنکس که از این مهاجمان مستقیم و غیر مستقیم حمایت می کند ولی علنا اعلام نمی کند، نمی خواهد ماهیت خود را برای مردم افشا کند.

آن کس که با روشن ترین خط امام، یعنی «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد مخالفت است و جمهوریت را قبول ندارد و باز هم ادعای ذوب در ولایت می کند، او نمی خواهد ماهیت خود را برای مردم افشا کند.

آن کس که مدعی ذوب در ولایت است، ولی رسماً در یک جمع ۹۹ نفره با نظر امام مخالفت می کند، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود.

آن کس که دخالت در امور سیاسی را مختص روحانیون می داند، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود.

آن کس که برای حمایت انگلیسی ها از انتخاب اصلح به دروغی رفته است و آن کس که از وی حمایت می کند، نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آن کس که معتقد بود امام را احمد «کانالیزه کرده است، او نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آنکس که در برابر یک مصلحت اندیشی امام فریاد زد دستور بدهند ۲۷۰ پوزه بند برای نمایندگان بفرستند، او نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آن کس که فرزند امام را به فرزند نوح تشبیه کرد، او نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود.

آن کس که تا آخر پشت سر بنی صدر سنگر گرفته بود و امروز چهره و رنگ عوض کرده است، نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آنکس که بر خلاف نظر صریح حضرت امام انجمن حجتیه را تقویت می کرد و با رئیس آنها روابط آشکار و پنهان داشت، نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آن کس که از اداره کردن ناتوانی های تم عاجز بود، ولی دایم در برابر دولت مورد حمایت امام و در زمان جنگ سنگ اندازی می کرد، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود.

آن کس که ورود مطبوعه اش به جبهه های جنگ از طرف حضرت امام ممنوع بود، نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آنکس که برای سرپوش گذاشتن بر مخالفتش با خط امام، شعار حمایت از رهبری و ذوب در ولایت سر می دهد، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود.

آن کس که به خلاف حکم صریح امام مبنی بر حرمت و ممنوعیت دخالت نیروهای مسلح در امور اختلاف سیاسی، آنان را به این ورطه سوق می دهد، نمی خواهد ماهیتش افشا شود.

آن کس که زمینه های گرایش جامعه به سوی غرب، بویژه آمریکا را آماده می سازد ولی شعار مخالفت با رابطه و مذاکره با آمریکا سر می دهد، نمی خواهد ماهیتش برای مردم افشا شود!

و باز هستند بسیار کسان دیگر که نمی خواهند ماهیتشان برای مردم افشا شود و ما تبیین چهره آنان را به وقت مناسب خودش موکول می کنیم.

(کسانی که اخبار و رویدادهای ایران را بی وقته دنبال کرده باشند، خوب می دانند که پوزه بند را آیت الله موحی ساوجب درخواست کرده بود. او در همین مجلس هفتم نیز هنگامی که دکتر مهاجرانی برای حضور در کابینه خاتمی رای آورد، با صدای بلند «فاتحه خواند!» منظوری از خامنه ای صراحتاً آخرین لحظه «آیت الله مهدوی کئی است و آنکس که نیروهای نظامی را تشویق به ورود به صحنه کرده و می کند، آیت الله موحی کرمانی است، که اکنون نیز در مجلس حضور دارد و نماینده ولی فقیه در این نیروهاست. نیروهای انتظامی که باید در اختیار وزارت کشور باشد، اکنون مستقیم و یا غیرمستقیم تحت نظارت اوست! طرح انحلال جمهوریت و برقرار حکومت عدل اسلامی را حبیب الله عسگرآلادی، دبیرکل مولفه اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام داده است و حامی آشکار و پنهان حجتیه نیز آیت الله خزعلی است، که در سخنرانی پیش از انتخابات ریاست جمهوری در شهر یزد از قول یک بچه ۶ ساله باصطلاح نظر کرده، گفته بود، که «وحی به او نازل شده که به ناطق نوری رای داده شود. او در همین سخنرانی که نورارش در ایران موجود است، گفته بود، که اگر خاتمی برنده انتخابات شود، او عمامه اش را زرد خواهد کرد. از جمله چهره های سرشناس گروه ۹۹ نفره «علی اکبر ناطق نوری» است و...»

## معنای "کیان روحانیت" و یا حکومت "کاست روحانی"!

روزنامه سلام در شماره ۱۵ فروردین ۷۷ و در ارتباط با سیلی خوردن نماینده کنگاور از نماینده بهشهر (وابسته به مولفه و روحانیت مبارز) در مجلس اسلامی، به قلم یکی از اهالی کنگاور نوشت:

«...سپهره سیلی خورده شما به خوبی روشن ساخت که شعار حمایت از روحانیت و فقاقت از سوی جناح انحصارطلب و تمامیت خواه تا چه پایه پوشالی و تو خالی است و اعلام می کنم که امروز محبوبیت نمایندگان با تعداد سیلی هائی که در راه مبارزه با اسلام چماق و خشنودی و اسلام ارعاب و تهدید، اسلام تهمت و غوغا سالاری، اسلام جمود و تحجر، اسلام سرمایه داری می خوردند سنجیده می شود...»

## بودجه روزنامه "رسالت" چگونه تامین می شود؟

روزنامه سلام ۱۵ فروردین ۷۷، همچنین در ارتباط با سید رضا زواره ای، رئیس ثبت و احوال جمهوری اسلامی، عضو ارشد قوه قضائیه و عضو رهبری مولفه اسلامی که کاندیدای دوره هفتم ریاست جمهوری بود نیز می نویسد، که آگهی بردآمد ثبت که در روزنامه "رسالت" چاپ می شود، انحصاراً توسط وی در اختیار این روزنامه گذاشته می شود. این آگهی خود منبع تغذیه مالی رسالت برای نقش مخرب و ضد ملی است که در ایران ایفاء می کند.

روزنامه سلام، ابتدا پیام تلفنی یکی از خوانندگان خود را منتشر می کند که می گوید: «در برنامه ۴۵ دقیقه شبکه ۵ تلویزیون که درباره درگیری رئیس قوه قضائیه با خبرنگار سلام بود، نشان داده شد که آقای زواره ای اصلاً روزنامه نمی خواند، زیرا بعد از اینهمه مدت تازه ایشان نمی دانست خبرنگار سلام که از سوی رئیس قوه قضائیه بدلیل سوال پیرامون شکنجه شهرداران تهدید به تعقیب حقوقی شده زن بوده است!»

سلام می نویسد: «ایشان با احتمال زیاد روزنامه سلام را نمی خوانند، ولی قطعاً روزنامه رسالت را با دقت مطالعه می کنند، بویژه آن که اکثر آگهی های سازمان ثبت در این روزنامه چاپ می شود.»

## چرا کمیته امداد و بنیاد مستضعفان حساب پس نمی دهند؟

روزنامه سلام ۱۱ اسفند ۷۶ (ستون الو سلام) - اگر کمیته امداد امام و بنیاد مستضعفان از بودجه بیت المال تامین می شوند چرا این دو ارگان نباید در مقابل مردم پاسخگو باشند. آیا ما نباید بدانیم این پولهای که می دهیم کجا خرج می شود؟

## درباره بازداشت شهردار

روزنامه سلام ۲۴ فروردین (ستون پاسخ ویژه) دو اطلاع پست پرده را درباره ماجرای شهرداری فاش ساخته و می نویسد:

«...از منابع موثق شنیده شده است که یک فرد موثر از نیروی انتظامی (با احتمال بسیار، منظور سرتیپ "قلی"، فرمانده حفاظت نیروهای انتظامی است، که در مجلس پیرامون شکنجه شهرداران تهران توضیحاتی داده است) اظهار کرده است که کارگزاران سازندگی جریانی متصل به آمریکا هستند و قطعاً ارتباطاتی دارند و ما باید در رسیدگی به این پرونده این ارتباطات را کشف کنیم. (مقدمات اعترافات زیر

میرحسین موسوی، بمناسبت پنجاه و پنجمین سال تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، در دانشکده فنی دانشگاه تهران سخنرانی کرد. این سخنرانی در همان روزی انجام شد که در مقابل در دانشگاه تهران تظاهرات دانشجویی به دعوت دفتر تحکیم وحدت برگزار شد و با یورش گروه‌های فشار رویو شد. برخی از افراد گروه فشار، که از حضور میرحسین موسوی در دانشگاه اطلاع داشتند، علیه وی نیز شعار می‌دادند. موسوی در بخشی از سخنرانی خود، پیرامون رهبری گفت: «... با توجه به مجموعه خلاهای فرهنگی و سیاسی، رهبری سیاسی و مذهبی و فکری جامعه ما آنچنان که در زمان امام در یک شخص خلاصه می‌شد، امروز در جامعه ما این اتفاق نیفتاده است و امروز مردم ما نمی‌توانند آنچنان که رهبری می‌خواهد از هدایت اجتماعی رهبری برخوردار شوند.»

## سرتیپ نقدی و دادستان تهران باید محاکمه شوند!

عبدالله نوری وزیر کشور، روز ۲۳ فروردین، پس از بازگشت از عربستان سعودی، در یک مصاحبه مطبوعاتی، بمناسبت دستگیری شهردار تهران شرکت کرد و برای نخستین بار مسئله تعقیب قضائی فرمانده حفاظت نیروهای انتظامی (ضد اطلاعات این نیروها) و دادستان تهران را مطرح کرد.

عبدالله نوری گفت: گزارش چگونگی رسیدگی پرونده شهرداری تهران توسط قوه قضائیه، که توسط آقایان شوشتری، وزیر دادگستری و مروی، رئیس محکمه انتظامی قضات تهیه شده، برای رسیدگی به رئیس قوه قضائیه داده شده است. این پرونده اخیراً به عنوان اعلام جرم علیه سردار نقدی فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و همچنین دادستان تهران به دادگاه انتظامی قضات نیز ارجاع شده است.

عبدالله نوری اضافه کرد: موضع‌گیری چندی پیش نزدیک به ۱۶۰ تن از نمایندگان در نامه‌ای خطاب به ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نیز در ارتباط با همین گزارش و درخواست رسیدگی به مفاد آن بود. دو نماینده رئیس جمهوری، که هر دو دارای تجربه‌های طولانی در امر قضاوت هستند، گزارشی جامع در رابطه با نحوه بررسی پرونده شهرداری‌ها توسط قوه قضائیه تهیه کرده‌اند و این حق مردم است که از محتوای این گزارش باخبر شوند. اگر تخلفی در جریان بررسی پرونده توسط قوه قضائیه صورت گرفته، باید به اطلاع مردم که محرم می‌باشند برسد. متأسفانه از اینک وضعیت دستگاه قضائی به جانی رسیده که گرفتن شهردار تهران سبب کسب اعتبار بیشتر برای وی شد و بالعکس دستگاه قضائی زیر سؤال رفت و اکنون خوب است طی یک نظر خواهی معلوم شود که شهردار تهران و یا دستگاه قضائی کدامیک بیشتر پایگاه در بین مردم دارند.

وزیر کشور همچنین پس از بازگشت به ایران، به خانه شهردار بازداشت شده رفت و در آنجا طی نطقی، از جمله گفت:

«... هم برای رضای خدا و هم خدمت به مردم کمربندها را محکم بسته‌ایم. ذره‌ای از اهداف کوتاه‌مدتی که به هیچ وجه در هیچ موضعی عقب نشینی نمی‌کنیم. آنچه که در ذهنمان است حرکت ما بر اساس جلب رضایت خداست و در آن پیروزی و حاکمیت مردم را دنبال می‌کنیم و از اینکه امروز یک اتهام بزنند و فردا یک اتهام بزنند و فکر کنند با این اتهام زده‌ها لابد آن را مخلوش می‌کنند و دیگران را می‌ترسانند به نظر من باید از این فکرها بیرون بروند.»

## در مشهد چه خبر است؟

\* در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، آیت‌الله مهدوی کنی به مشهد سفر کرد. در همین سفر، او در سخنرانی برای جمعی از روحانیون که به دیدار او رفته بودند و در هیأتی نظارت بر انتخابات نیز عضویت داشتند، فتوای تقلب در انتخابات، برای پیروزی ناطق نوری را صادر کرد! مهندس عزت‌الله سبحانی به اتهام افشای این خبر، محاکمه و تیره شد!

\* پس از انتخابات ریاست جمهوری و در جریان نخستین بحث مجلس پیرامون تقسیم خراسان به چند استان، ناطق نوری به خراسان سفر کرد و به مشهد رفت. جزئیاتی از دلیل این سفر و دیدارهای احتمالی در مطبوعات منتشر نشد.

\* مجلس خیرگان رهبری، بدنبال حوادث قم و حمله و تصرف خانه آیت‌الله منتظری، در مشهد تشکیل شد. این اقدامی بی سابقه بود. این آخرین نشست خیرگان رهبری، پیش از انتخابات مجلس خیرگان بود. در پایان این اجلاس، هاشمی رفسنجانی، بعنوان نایب رئیس مجلس خیرگان با یک شرط بسیار سؤال برانگیز، اعلام داشت، که در شرایط حاضر ما کس دیگری را جز علی خامنه‌ای برای رهبری نداریم.

\* حبیب‌الله عسگرآولادی، در نخستین هفته اسفند ماه گذشته، راهی مشهد شد. در دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد برای او یک جلسه سخنرانی گذاشتند. این سخنرانی از سوی، جامعه اسلامی دانشجویان و طلاب و دانشجویان عضو مؤتلفه اسلامی ترتیب داده شد. نکته مهم در این سخنرانی آن بود، که علیرغم ترتیب یافتن این جلسه از سوی وابستگان مؤتلفه اسلامی، دانشجویان حاضر در جلسه، از عسگر اولادی درباره اختیارات و موقعیت شورای تشخیص مصلحت نظام سؤالاتی کردند. او نیز عضو این شورا است. در همین جلسه از عسگرآولادی درباره دلیل برخورد مؤتلفه اسلامی با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، طرح

شکجه! باز هم طبق اطلاع موثق یکی از مقامات قضائی در پاسخ این سؤال که با ماجرای پرونده شهردار تهران چه می‌خواهید بکنید؟ می‌گوید: کرباسچی بت شده است و باید این بت شکسته شود»

## اعدام فوری برای بستن پرونده!

سلام یکشنبه ۱۶ فروردین- اگر واقعا به خاطر بازگرداندن اموال بیت المال خواب از چشمان عدای ربه‌شده است و نزدیک است خود کشی کنند، چرا در مورد پرونده قطور بنیاد مستضعفان دم بر نمی‌آورند؟ آیا پرونده فاضل خدا داد براساس رویه عادی مختومه شد؟ اجرای حکم اعدام بدون مشکل و مساله بود؟ برای روشن شدن بعضی از ابهامات این پرونده نیاز به تاخیر در اجرای حکم اعدام نبود؟

## در تدارک توطئه علیه انتخابات خبرگان!

سلام ۱۶ فروردین- در پاسخ به خواننده‌ای که رد صلاحیت چهره‌های شناخته شده در انتخابات میان‌دوره‌ای و اینکه این مقدمه رد صلاحیت افراد معتبر در انتخابات مجلس خبرگان است، نوشت: در ارتباط با انتخابات مجلس خبرگان جناب آقای موحدی کرمانی پیشاپیش توصیه‌های لازم را به نیروهای مسلح و به نمایندگان ولی فقیه در سپاه کرده‌اند و جای نگرانی نیست!

## چرا باید سکوت کرد؟

سلام ۱۷ فروردین- در ستون پاسخ ویژه، و در جواب خواننده‌ای که خواسته بود تا عیب‌ها را فاش نکنند، نوشت: «... کسانی که به خلاف موازین شرعی و قانونی به کسانی که در یک اجتماعی مجاز شرکت کرده‌اند حمله می‌کنند و افراد را کتک می‌زنند، چگونه می‌شود آن را پوشاند؟ هنگامی که مهاجمان به این عمل زشت و منکر خود افتخار می‌کنند چگونه می‌شود آن را پوشاند؟ نماینده‌ای که در داخل مجلس شورای اسلامی نماینده دیگر را مذبذب می‌کند و به این عمل قبیح افتخار هم می‌کند چگونه می‌شود این عمل زشت را پوشاند؟ اگر آن روزی که همین نماینده فریاد زد که آیت‌الله خامنه‌ای بهتر از امام خمینی مملکت را اداره کرده‌است دوستانش به افتخار وی لهله نمی‌کردند امروز جرات نمی‌کرد به صورت یک نماینده نیلی بزد.

وقتی یک مقام رسمی در مقابل خبرنگاران داخلی و خارجی و در مقابل دوربین‌های فیلمبرداری خبرنگاری را به خاطر یک سؤال به تعقیب تهدید می‌کند چگونه می‌شود آن را پوشاند؟ (آیت‌الله یزدی)

وقتی یک چهره سیاسی سرشناس کشور در طول چندین سال چند بار صلاحیتش رد می‌شود و چند بار تائید و خبر آن اعلام می‌شود چگونه می‌شود آن را پوشاند؟ (بهزاد نبوی) و چرا باید تا زمانی که پاسخ قانع کننده‌ای داده نشده است آن را رها کرد؟ وقتی گروهی اعلام می‌کند ما جمهوری را قبول نداریم و به جای آن حکومت عدل اسلامی را پیشنهاد می‌کنند و با ادعای ذوب در ولایت به خلاف نظر صریح حضرت امام که فرمود جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، نظام دیگری را در سر می‌پروراند آیا می‌شود آن را پوشاند و باید سکوت کرد تا مباهات اختلاف شود؟ (عسگرآولادی)

مگر سرنوشت یک انقلاب و یک کشور و ملت چیزی است که با این سهل انگاری‌ها و ساده لوحی‌ها آن را به دست قضا و قدر بسپاریم؟

## چه مرجعی باید بر اجرای قانونی اساسی نظارت کند؟

پس از یک سلسله جنجال‌ها که در نشریه "شما" و روزنامه "رسالت" دنبال شد تا نظارت بر قانون اساسی به قوه قضائیه واگذار شود، علی خامنه‌ای در ۱۱ اسفند و در دیدار با اعضای هیات پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، گفت: «با توجه به وظائف مصریه ریاست جمهوری در قانون اساسی، انجام مسئولیت خطیر پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی از هیچ شخصیتی جز مقام ریاست جمهوری بر نمی‌آید. به موازات اجرای وظائف این هیات، باید به گونه‌ای عمل شود که هیچ شبهه‌ای در مورد دخالت قوا در یکدیگر به وجود نیاید. برای تکمیل اجرای این وظیفه حساس، باید راه کارهای قانونی برای تضمین اقدامات لازم، پس از تذکر و اخطار ریاست جمهوری پیدا کرد. باید به گونه‌ای عمل شود که حتی رایجه گرایش سیاسی در این روند احساس نشود و این امر، موضع بسیار مطلوبی به رئیس جمهور می‌بخشد.»

## موسوی نخست وزیر دوران جنگ

عسکراولادی برای تبدیل جمهوری اسلامی، به حکومت عدل اسلامی سئوالاتی شد.

\* پس از سفر عسکراولادی به مشهد، رهبر جمهوری اسلامی به این شهر سفر کرد و در اجتماعي که به همت آستانقدس رضوی ترتیب یافته بود، سخنرانی کرد و مطبوعات را تهدید کرد. در همین دیدار و سخنرانی رهبری، وعده ای که از قبل سازمان داده شده بودند شعار ای رهبر فرزانه- آماده ایم آماده را سر دادند. پس از بازگشت رهبری از مشهد، جبهه ارتجاع بازار، شهردار تهران را دستگیر کردند تا مقدمه یورش به دولت را فراهم آورند!

تمام کسانی که به مشهد می روند، نه تنها دیدار، بلکه مذاکرات مفصل با شیخ واعظ طبسی تولیت آستانقدس انجام می دهند. همین است که باید این سفرها را تنها سفرهائی زیارتی و سیاحتی ارزیابی نکرد! اگر این احتمال صحیح باشد، که شیخ محمود حلبی پیش از مرگ، تمامی اختیارات داخلی و خارجی "حجتیه" را به شیخ واعظ طبسی واگذار کرده بود، آنوقت این سفرها معنایی بسیار پیدا می کند. شیخ محمود حلبی نیز زاده مشهد بود و واعظ طبسی نیز زاده شهر "طبسی" در خراسان!

پول و امکانات عظیم آستانقدس رضوی، که در زمان شاه نیز یکی از منابع بزرگ مالی دربار به حساب می آمد، در اختیار شیخ واعظ طبسی است، که او را حاکم خراسان می شناسند. واعظ طبسی نیز، مانند آیت الله خزعلی، مصطفی میرسلیم، علی اکبر پرورش و... از جمله یاران قدیمی و همیشگی شیخ محمود حلبی بود. روزنامه توس که اکنون با پول آستانقدس رضوی و با مدیریت شیخ واعظ طبسی منتشر می شود، به نوعی ارگان مطبوعاتی "حجتیه" در ایران به حساب می آید. بی پروائی این روزنامه در حمایت از گروه های فشار، اعلام ضرورت دستگیری شهردار تهران، ترتیب دادن حمله به خانه آیت الله منتظری و زندانی کردن او... همگی نشان می دهد که "حجتیه" همچنان با قدرت در ایران فعالیت می کند!

## موتلفه اسلامی، همچنان سرگرم توطئه است!

نشریه "شما" ارگان موتلفه اسلامی، سبک و سیاتی مشابه شلمچه را دارد، اما از آنجا که سخنگوی یک حزب سیاسی پر قدرت در جمهوری اسلامی است، آشنائی با اندیشه هائی که در آن مطرح می شود و یا نوع نگرشی که به دولت و مردم دارد، باید مورد توجه بی وقته باشد.

سراسر این نشریه مملو از تملق و چاپلوسی نسبت به رهبر جمهوری اسلامی است. او را "نورچشم ملت" و از همین الفاظ و اصطلاحات رایج در دوران شاهنشاهی خطاب می کند. معمولاً عکس و یا خبری از رئیس جمهوری چاپ نمی کند و یا اگر می کند در گوشه یکی از صفحات آخر است. ستیز با مجاهدین انقلاب اسلامی و روحانیون وابسته به مجمع روحانیون مبارز نیز از دیگر مشخصه های "شما"ست. برخی از این موضع گیری ها را مرور کنیم:

با آنکه بدعت مصاحبه و گفتگو با رادیو بی. بی. سی را نخست اسنا الله بادامچیان، دبیر اجرایی موتلفه اسلامی و مشاور عالی رئیس قوه قضائیه گذاشت و پس از او ناطق نوری، بعنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری با این رادیو مصاحبه کرد، نشریه "شما" در شماره ۷ اسفند خود، درباره مصاحبه های اخیر این رادیو با افرادی در داخل کشور می نویسد:

"بی بی سی در ایران چند همکار دارد که برخی از آنان حقوق در برابر این همکاری دریافت می کنند. (بر اساس کدام مدرک و دلیل معلوم نیست) و همچنین بخاطر مقاصد سیاسی خود با این رسانه استعماری مصاحبه کرده و اطلاعات درخواستی آنها را به آسانی در اختیار آنها می گذارند و یا سخنان دلخواه آنان را می گویند و یا به سئوالات کاملاً غرض آلود این رسانه پاسخ می دهند. این افراد عبارتند از ۱- ابراهیم یزدی ۲- صابغیان ۳- معین فر ۴- مسعود بهنود ۵- ایرج جنبینی ۶- جهانگیر بهروز ۷- صادق زیبا کلام ۸- سعید لیلان ۹- شیرین عبادی (از این جمع، سه نفر اول عضو نهضت آزادی ایران هستند و بقیه خبرنگار و خانم عبادی نیز وکیل دادگستری است. از نشریه شما می توان پرسید، آیا ناطق نوری و بادامچیان هم مشمول این لیست حقوق بگیران می شوند یا خیر؟ تازه تکلیف محمد جواد لاریجانی، خواهرزاده آیت الله جوادی آملی چه می شود، که در اتاق دو بسته با نیک بران انگلیسی مذاکره کرد و اطلاعات مورد احتیاج وزارت خارجه و دستگاه امنیتی انگلستان را در اختیار او گذاشت؟)

از شماره ۳۰ بهمن "شما" و در ارتباط با سازمان های سیاسی و شخصیت های سیاسی نیز با نظرات و توطئه های موتلفه اسلامی باید مطلع شد.

\* سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، را موتلفه گروه دو نفره "محمد سلامتی و بهزاد نبوی" می شناسد و از جمله می نویسد: (نوع دیگر برخورد مربوط به برخی عناصر (واژه ای که معمولاً ساواک و سپس اسنا الله لاجوردی از آن استفاده می کرد) و نشریه هائی است، مانند آنچه در نشریه عصرما، ارگان مجاهدین انقلاب اسلامی - گروه بهزاد نبوی و محمد سلامتی- ...

\* در جریان انتخابات ریاست جمهوری، بزرگترین تقلب در ایلام انجام شد، به نوعی که هنوز پرونده این تقلب در دستور بررسی است و اگر شورای نگهبان، روحانیت مبارز و موتلفه اسلامی مسئولان این تقلب بزرگ را در پناه خود نگرفته بودند،

استاندار و فرماندار و روحانیون بسیاری بدلیل این تقلب باید محاکمه می شدند. نشریه شما در تاریخ ۳۰ بهمن درباره خبر سفر وزیر کشور به ایلام می نویسد:

"... در جریان بازدید وزیر کشور از استان ایلام، امه جمعه و روحانیت استان به استقبال وی نیامدند و هنگام سخنرانی وی در روز ۲۲ بهمن، مردم ضمن شعارهای مرسوم ۲۲ بهمن، شعارهائی داده اند از قبیل خامنه ای زنده باد- دشمن او مرده باد، مرگ بز منتظری و..."

## ستیز با ملیون

حالا ببینیم در ارتباط با ملیون ایران چه لحن و برخوردی کینه توزانه در نشریه "شما" وجود دارد و موتلفه اسلامی در ایران سرگرم چه کاراست. این نشریه در شماره ۳۰ بهمن خود درباره حزب ملت ایران و فروهر می نویسد:

## حزب ملت ایران

شما می نویسد: "شنیده شده است، فروهر که خود را رهبر حزب ملت ایران معرفی می کند، بیماراست و بزودی قراراست ببرد. از همانکون ملیون قصد دارند با جنازه او متینگ برپا کنند"

همنوائی تبلیغاتی "شما" با نشریات دربار شاه را علاوه بر ستیز با امثال فروهر و حزب ملت ایران، که مغضوب دربار شاهنشاهی بودند، در ارتباط با حزب دمکرات کردستان ایران هم بخوانیم. "شما" در شماره ۷ اسفند خود می نویسد:

## حزب دمکرات کردستان

"(مینا قاضی، زن قاضی محمد که فتنه کردستان را در حین اشغال کشور بدست اجانب راه انداخت و اعدام شد، هفته گذشته در ۹۱ سالگی در گذشت...)"

## اعتصابات کارگری

"شما" در عین حال که ناچار است، به پیروی از دیگر مطبوعات اخبار مربوط به اعتصابات کارگری را منتشر کند، این اعتصابات را زمینه ساز ناراضائی از دولت خاتمی نیز تبلیغ می کند. حتی اخباری در تهران برسر زینهاست که بازار و سران ارتجاع، علاوه بر تشدید گرانی ناشی از احتکار و دیگر توطئه های اقتصادی، برای فلج سازی کارخانه ها و به اعتصاب کشاندن کارگران، مواد اولیه این کارخانه ها را در اختیار آنها نمی گذارند. انعکاس تحریک آمیز اخبار اعتصابات کارگری در نشریاتی مانند "شما"، "رسالت"، "قردا" و "کیهان" خود تأیید کننده این احتمال بسیار قوی است. بزور خود موتلفه اسلامی به اعتصاب را نیز در خبری که در شماره ۷ اسفند خود منتشر کرده قابل ملاحظه است:

"... در پی اعتصاب کارگران شرکت چکمه ملی، کارگران شرکت شاهد نیز دست از کار کشیده و با ایجاد هیاهو و جنجال و با تجمع در محوطه شرکت، خواستار پیوستن کارگران دیگر شرکت ها به جمع خود گردیدند. متعاقباً شرکت های دیگر گروه ملی نیز یکی پس از دیگری به جمع اعتصاب کنندگان پیوسته و در حال حاضر ۹ شرکت تحت پوشش گروه صنعتی در اعتصاب به سر می برند.

با توجه به شرایط تسهیلات بانکی و مشکل کمبود نقدینگی کارخانجات، احتمال بروز این مشکلات در سال آینده بیشتر است. (یعنی همان مشکلاتی که صاحبان نقدینگی در حزب موتلفه اسلامی موجب آن شده اند)

## رهبر نمی تواند مرجع باشد!

روزنامه سلام در تاریخ ۱۶ فروردین، در مقاله صفحه دوم خود، درباره ضرورت جدائی مرجعیت و رهبریت از یکدیگر، برای نخستین بار، با استناد به آیت الله خمینی، نوشت که این دو باید از هم جدا باشند. این بحث، که تا همین این لحظه بحث ممنوعه در جمهوری اسلامی تلقی می شده است، عملاً به تلاش ها و یا تسایل رهبر کنونی جمهوری اسلامی برای داشتن هر دو مقام مذهبی و سیاسی خاتمه می بخشد. در عین حال، مقاله سلام، به نوع دیگری تأییدی است بر سخنان آیت الله منتظری که بر ضرورت جدائی این دو از یکدیگر تأکید دارد و با طرح "حفظ قداست حوزه ها" تاکنون مانع دولتی شدن مرجعیت شده است. بدین ترتیب و با توجه به اینکه در حال حاضر اعلم ترین مرجع مذهبی موجود در ایران، که آیت الله های بسیاری آنرا تأیید می کنند، آیت الله منتظری است، این موضع گیری سلام، نشان از تحولاتی در این عرصه نیز دارد. بخش هائی از این سرمقاله را در زیر می خوانید:

"... در قانون اساسی قبلی، رهبر می بایست از میان مراجع بزرگ تقلید انتخاب شود، ولی حضرت امام با این که خود از مراجع بزرگ تقلید بودند، از اول با این شرط برای رهبری مخالف بودند و سرانجام طی نامه ای به شورای بازنگری در قانون اساسی از آن شورا خواستند که این شرط از رهبری حذف شود و فرمودند اصل اجتهاد کافی است. حضرت امام می دیدند که افرادی که در حوزه های علمیه عمری را صرف تحصیلات می کنند تا به مقام صلاحیت برای مرجعیت می رسند، نمی توانند عهده دار وظائف رهبری شوند که باید سالها تمرین و تجربه مسائل سیاسی و حوزه های کاری مربوط به رهبری را از سر گذرانده باشند..."